

جنگ و روند اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

نادر پور آخوندی *

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۲۹

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۶/۲۷

[illegible]

مقدمه

... مواجهه بود.

ایران انقلابی که هنوز از بحران‌های سیاسی و وضعیت ناگوار اقتصادی ناشی از انقلاب رهاننده بود با حمله عراق در شهریور ۱۳۵۹ مواجه شد و برخی از مناطق نفت خیز کشور به اشغال ارتش عراق درآمد. آنها از یک سو بر مبنای شعارهای مطرح شده در جریان انقلاب، همچون «برقراری حکومت عدل اسلامی»، «نهی استعمار و نپل به خودکفایی اقتصادی»، «اجرای

انقلاب اسلامی در شرایطی به پیروزی رسید که اقتصاد ایران دچار بحران و رکود بود و انقلابیون یک اقتصاد بحران زده را به میراث بردند. گسترش ناآرامی های داخلی و اعتصابات عمومی، بحران اقتصادی را تشدید کرد. جمهوری اسلامی از همان آغاز با مشکلات اقتصادی عدیده ای همچون فرار سرمایه ها از کشور، افزایش فشارهای تورمی، تشتت مراکز تصمیم گیری و

*کارشناس ارشد علوم سیاسی



عدالت و نفی هرگونه تبعیض و استثمار»، «احیای کشاورزی» و «پیشرفت صنعت»، درصدد بودند با ایجاد یک اقتصاد اسلامی این شعارها را برآورده سازند و از سوی دیگر ناچار بودند به ضروریات و استلزامات جنگ پاسخ دهند. این پژوهش در پی بررسی این پرسش است که رهبران انقلاب برای تحقق این دو هدف چه روندی را در پیش گرفتند و چه سیاستی را انتخاب کردند؟ و جنگ چه تأثیری بر آن داشته است؟ در

این راستا این فرضیه قابل طرح است که رهبران انقلاب در ابتدا جنگ را نافی یا مانعی برای تحقق اهداف اقتصادی جمهوری اسلامی نمی دانستند، از این رو بر اساس مبانی اقتصاد اسلامی و پیامدهای سیاست های اقتصادی دوره پهلوی اولین برنامه اقتصادی ج.ا.ایران را تدوین نمودند؛ اما با گسترش دامنه جنگ و افزایش هزینه های نظامی، از این برنامه عدول نموده و سیاست اقتصادی بودجه محور را اتخاذ کردند. جنگ سبب شد ایران از سیاست برنامه محور به سمت سیاست بودجه محور حرکت کند.

وضع اقتصادی ایران در دوره پهلوی و دیدگاه نیروهای انقلابی نسبت به آن

شاه بعد از تثبیت قدرت خود در سال ۱۳۴۲ چندین برنامه توسعه اقتصادی در قالب برنامه سوم، چهارم و پنجم تدوین نمود که هدف آنها «رشد سریع اقتصادی»، «صنعتی شدن»، «مدرن سازی» و «ادغام در اقتصاد جهانی» بود.^(۱) این برنامه ها عمدتاً بر درآمدهای نفتی متکی بود و افزایش قیمت نفت کمک موثری به شاه برای رسیدن به اهداف اقتصادی اش بود. درآمد نفتی ایران در ابتدای برنامه سوم، یعنی سال ۱۳۴۳ - ۱۳۴۲، ۵۵۰ میلیون دلار بود و در سال ۴۸-۴۷ به ۹۵۸ میلیون

دلار رسید. این مبلغ در زمان اجرای برنامه پنجم به ۲۰ میلیارد دلار بالغ گردید و شاه با تجدیدنظر در برنامه پنجم، اعتبارات عمرانی آن را دو برابر افزایش داد و اعتبار عمرانی به ۳۳۶۸۷ میلیارد ریال رسید.^(۲)

ماحصل این برنامه ها اقتصاد شبه پیرامونی بود که شدیداً در زمینه تکنولوژی و مواد غذایی به درآمدهای نفتی و اقتصاد سرمایه داری وابسته بود. در چارچوب سیاست درهای باز، صنایع مونتاژی چون صنعت نساجی، مواد غذایی کنسروی، نوشابه و اتومبیل برای بازارهای داخلی گسترش یابند که شدیداً به سرمایه و تکنولوژی خارجی متکی بودند. به عنوان مثال، در سال ۱۳۵۳، ۱۶۲ شرکت چندملیتی در بخش صنعت فعال بودند که صنایع الکترونیکی و غیرالکترونیکی با ۳۷ شرکت بیشترین شرکت های چندملیتی را به خود اختصاص داده بود و واردات مواد اولیه، قطعات و ماشین آلات این صنایع، ۵۰ درصد از واردات کشور را تشکیل می داد.^(۳)

علاوه بر این؛ برنامه های اقتصادی، نابرابری های منطقه ای را باعث شد؛ به طوری که ۴۷/۸ درصد از کل کارگاههای بزرگ و متوسط کشور در تهران مستقر گردید و نصف کالاهای ساخته شده کشور در تهران تولید می گردید.^(۴) افزایش درآمدهای نفتی و برنامه

اصول اسلامی سازگار نیست.^(۸)

اقتصاد اسلامی بر مالکیت مطلق خدا بر همه چیز و رعایت حقوق همه افراد استوار است. مالکیت در اسلام از آن خداست و مالکیت های دیگر، امانتی است که خداوند به امام و امت سپرده تا در مسیر قسط و تأمین نیازهای عمومی به کار گرفته شوند.^(۹) هدف این نوع اقتصاد ایجاد جامعه ای اسلامی به منظور رهایی از بندگی غیرخدا و برآوردن نیازهای مردم برای رشد و تکامل انسان است و اقتصاد یک ابزار و نه هدف است. این نوع نگرش نسبت به اقتصاد در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خصوصاً در اصول ۴۳ و ۴۴ تجلی یافته است.^(۱۰)

قانون اساسی (اصل ۴۴) برای تحقق این اصول، اقتصاد کشور را به سه بخش دولتی، تعاونی و بخش خصوصی تقسیم کرده است.^(۱۱)

اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

تلاش برای تدوین اولین برنامه اقتصادی ایران

بلافاصله بعد از انقلاب آغاز شد. دولت موقت در راستای تحقق اهداف سه گانه استقلال و خودکفایی کشور، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و خودکفایی در زمینه کشاورزی، پست «وزیر مشاور در طرح های انقلاب» را ایجاد کرد و با تصویب اساسنامه شورای عالی طرح های انقلاب در فروردین ماه ۱۳۵۸، اعضای آن تعیین شد. هدف از تشکیل این شورا تهیه طرح کلی نظام های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی جامعه ایران و برنامه ریزی برای اجرای آنها بود. این دفتر با دعوت از ۱۹۵ نفر از کارشناسان، صاحب نظران، صنعت گران و کشاورزان، سیاست ها و برنامه نظام جمهوری اسلامی ایران را تحت عنوان «سیاست های

اقتصادی کشور، بیشترین تأثیر را در بخش کشاورزی داشت. شاه اگرچه بر مبنای اصلاحات ارضی و برنامه های اقتصادی درصدد توسعه و بهبود وضع کشاورزی بود اما به دلیل عدم تأمین نهاده های مورد نیاز بخش کشاورزی، بالا بودن ماشین آلات کشاورزی، توزیع نامناسب سموم و کودهای شیمیایی بخش کشاورزی به شدت آسیب دید^(۱۲) و نتوانست متناسب با رشد جمعیت کشور توسعه یابد و کشور شدیداً به واردات مواد غذایی وابسته شد.

با توجه به پیامدهای سیاست های اقتصادی شاه، یعنی وابستگی شدید به خارج و سیل مهاجرت روستائیان به شهرها و ایجاد پدیده حاشیه نشینی، مسئولان جمهوری اسلامی به این جمع بندی رسیدند که شاه با اتکاء به درآمدهای نفتی و نادیده انگاشتن بخش کشاورزی و پذیرش الگوی توسعه غربی، کشور را به غرب وابسته کرده است. به باور آنها شرایط سیاسی و اقتصادی کشور ایجاد یک بخش صادراتی جایگزین به جای اتکاء به درآمدهای نفتی، تنوع بخشی به محصولات داخلی به منظور کاهش اتکاء به واردات از کشورهای غربی و بهبود بخش کشاورزی را ایجاب می کرد. از این رو روندی مدنظر قرار گرفت که سه هدف اصلی «خودکفایی اقتصادی»، «توسعه کشاورزی» و «کاهش اتکاء به درآمدهای نفتی» را تحقق بخشد. فضای روانی برای این اقدام فراهم بود و همه مسئولان کشور خواهان اتخاذ سیاست هایی در عرصه اقتصاد بودند که با سیاست های دوره پهلوی مغایر باشد.^(۱۳)

مسئولان جمهوری اسلامی به دنبال الگوهایی بودند که مغایر با اقتصاد سرمایه داری و کمونیستی و منطبق بر احکام اسلامی باشد. به عبارت دیگر، آنها به دنبال یک «راه سوم» بودند که بتواند سیاست نه شرقی و نه غربی را محقق سازد.^(۱۴) الگوی سرمایه داری برخلاف ادعایش نسبت به آزادی انسان، به علت «فقدان آگاهی اجتماعی»، «رقابت فوق العاده» «منافع ناشی از قدرت» و حالت «استعمارگرایی» و الگوی کمونیستی به دلیل «انکار ابتکارات خصوصی و آزادی انسان»، «ایجاد دشمنی بین دولت و مردم» و «تمرکز قدرت سیاسی» با

پس از پیروزی انقلاب،
مسئولان جمهوری اسلامی
به دنبال الگوهایی بودند که
مغایر با اقتصاد سرمایه داری
و کمونیستی و منطبق بر
احکام اسلامی باشد

شده بود. مرحله کوتاه مدت که برای سال های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ بود؛ مرحله میان مدت که شامل ۲ تا ۳ برنامه چهار ساله بود و مرحله دراز مدت که شامل ۳ تا ۴ برنامه پنج ساله بود.^(۹۶) این برنامه بر توسعه صنعت به عنوان عاملی برای کاهش بیکاری، کسب درآمد ارزی و رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی تأکید داشت.

برنامه فوق در اثر رقابت های داخلی و بحران سیاسی، به خصوص بحران سیاسی دوران بنی صدر به فراموشی سپرده شد. بعد از بنی صدر و ایجاد ثبات سیاسی در کشور، علیرغم تحریم اقتصادی و جنگ تحمیلی، تدوین برنامه اقتصادی مجدداً مورد توجه قرار گرفت. شهید رجایی به هنگام تقدیم لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ به مجلس ضمن انتقاد از برنامه های اقتصادی رژیم پهلوی و تخریبی دانستن آن، اعلام نمود: «تاکنون هیچ برنامه ای که نتیجه کوشش و برنامه ریزی برادران مسلمان و انقلابی هیات دولت باشد، مطرح نشده است.»^(۹۷) از این رو با اعلام سال ۶۱ به عنوان سال برنامه ریزی، هیئتی را مأمور تدوین اولین برنامه اقتصادی کشور نمودند. در این راستا ۲۲ شورای برنامه ریزی بخش تشکیل شد که هر یک از آنها نیز به تشکیل چندین کمیته تخصصی برنامه ریزی اقدام نمودند. برای انجام برنامه ریزی در استان های کشور، ۲۴ شورای عالی برنامه ریزی استان تشکیل شد که گزارش وضع اقتصادی اجتماعی گذشته و موجود استان ها را تهیه و به سازمان برنامه و بودجه ارسال می کردند. شورای برنامه ریزی بخشی نیز گزارش بررسی وضع گذشته و موجود بخش های اقتصادی، اجتماعی را به سازمان برنامه و بودجه ارسال می نمود. سازمان برنامه و بودجه با کمک برخی از سازمان های دولتی، اهداف کمی توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران طی دوره بیست ساله ۸۱-۶۱ را تهیه و به شورای اقتصاد ارسال کرد. از سوی شورای اقتصاد، ایراداتی همچون مشخص نبودن رابطه اهداف کمی و ارزش های اسلامی، مشخص نبودن نوع جامعه ایی که برنامه درصدد تحقق آن بود، عدم توجه کافی به بخش کشاورزی به عنوان محور توسعه و ... به آن وارد شد. سازمان برنامه و بودجه به همراه شورای اقتصاد، با

توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران» تصویب نمود. از نظر این برنامه، اهداف انقلاب تنها از طریق مطالعه، تعیین اهداف، سیاست گذاری، تعیین برنامه، اجراء، نظارت، ارزیابی و تجدیدنظر در کلیه زمینه های فوق حاصل می شود.^(۹۸) در این راستا، یک سلسله اهداف، سیاست های متوازن و هماهنگ توسط این دفتر تدوین گردید. این برنامه دارای ویژگی هایی همچون وظیفه شناسی، از خودگذشتگی، انفاق و ... بود و اقتصاد را به سه بخش «آزاد»، «مختلط» و «دولتی» تقسیم کرده بود. بخش آزاد در برگیرنده واحدهای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی به صورت مالکیت فردی یا گروهی و تعاونی بود.

بخش مختلط شامل واحدهای تولیدی و خدماتی متوسط و بزرگ و نیز انحصارها و ... بود که این امکان پیش بینی شده بود که دولت در سرمایه گذاری برخی واحدهای آن با مردم مشارکت نماید. بخش دولتی، واحدهای تولیدی و خدماتی بزرگ و راهبردی را شامل می شد.^(۹۹)

این برنامه بر درآمدهای نفتی مبتنی بود و وجود این منابع، را یکی از مهمترین عوامل تضمین موفقیت برنامه های توسعه کشور می دانست. با این وجود، این برنامه همچنان به اهداف اقتصادی نیروهای انقلابی وفادار بود و خواستار استفاده از درآمد حاصله از منابع نفت و گاز برای سرمایه گذاری و ایجاد عوامل تولید شد. طرحان برنامه امیدوار بودند با سرمایه گذاری در صنایع تبدیل نفت به فرآورده ها و مشتقات نفتی، این قبیل صادرات جایگزین صادرات نفتی گردد و کشور نه تنها از واردات این قبیل محصولات بی نیاز گردد بلکه ارز مورد نیاز نیز از این طریق تأمین گردد. در برنامه، سه مرحله برای تحقق اهداف پیش بینی

تلاش برای تدوین اولین برنامه اقتصادی ایران بلافاصله بعد از انقلاب آغاز شد

منجر شده؛ لذا بهترین راه برای جلوگیری از این مسئله، بهبود وضعیت بخش کشاورزی است. در این راستا، دولت سیاست‌هایی از قبیل ارائه کمک‌های فنی، توسعه صنایع، توسعه تأسیسات زیربنایی و خدماتی بخش کشاورزی و حمایت از قیمت محصولات کشاورزی را به اجرا گذاشت.

در برنامه اول و دوم هدف بخش کشاورزی، خودکفایی کشور در زمینه تولید مواد غذایی حداکثر تا سال ۱۳۷۱ و تداوم رشد این بخش طی برنامه سوم و چهارم بود.^(۳) بدین ترتیب، رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی در برنامه اول و دوم به طور متوسط ۷ درصد

در نظر گرفته شد و مقرر گردید سرمایه‌گذاری در این بخش در برنامه اول هر سال ۱۶/۸ درصد افزایش یافته و از ۳۰۵/۲ میلیارد ریال در سال اول برنامه به ۵۶۸/۶ میلیارد ریال در سال پایانی برنامه برسد.

بخش صنعت: توسعه بخش صنعت از چند جهت دارای اهمیت بود. نخست آن که توسعه بخش صنعت نمونه عینی

استقلال و خودکفایی کشور بود؛ از سوی دیگر می‌توانست با ایجاد اشتغال و جذب بخش بزرگی از نیروی کار جامعه، درآمد ملی و سرانه را افزایش دهد. از نظر برنامه ریزان، استقلال و خودکفایی در عرصه صنعت به معنی ایجاد یک اقتصاد بسته نبود. از نظر آنها یک کشور زمانی به استقلال اقتصادی می‌رسید که به هنگام مسدود شدن مرزهای ورودی کالا به کشور، اقتصاد آن سقوط نکند و به حیات خود ادامه دهد. بنابراین، استقلال اقتصادی زمانی امکان‌پذیر می‌شد که کالاهای اساسی مورد نیاز و کالاهای استراتژیک در داخل کشور تولید شود و امکان رشد ظرفیت‌های تولید با اتکاء به امکانات اقتصادی داخل کشور وجود داشته باشد.

تعیین اهداف کمی کلان و سیاست‌های کلی توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی ایران طی بیست سال ۱۳۸۱ و پس از تصویب شورای اقتصاد؛ به تهیه برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اقدام نمود.^(۴) این برنامه پس از تصویب در هیأت دولت به مجلس ارسال و در کمیسیون اقتصادی مجلس به تصویب رسید.

اهداف و جهت‌گیری‌های برنامه

این برنامه براساس نگرش اسلامی برنامه ریزان نسبت به اقتصاد، با ماهیت اسلامی کشور و اصل نه شرقی و نه غربی منطبق بود. در مقدمه برنامه آمده بود: «طبق ضوابط اسلامی و اصول اساسی، حکومت موظف است با برنامه ریزی، بیت‌المال و منابع دولتی و ملی را در جهت منافع مستضعفین، ایجاد جامعه‌عاری از فقر، رفع موانع توسعه و تعالی انسان و امت اسلامی به کار گیرد.»^(۵) بر این اساس، اهداف ذیل به عنوان اهداف توسعه اسلامی مد نظر قرار گرفته بود: گسترش آموزش و فرهنگ، تأمین منافع مستضعفین، تأمین استقلال و خودکفایی، رفع بیکاری و ...^(۶)

این برنامه در پی تأمین بخشی از اهداف پیش‌بینی شده در سیاست‌های کلی بود که شدیداً از سیاست‌های نادرست رژیم پهلوی متأثر بود. این سیاست‌های کلی عبارت بودند از: توسعه بخش کشاورزی، تأکید بر گسترش صنایع واسطه‌ای و ماشین‌سازی، گسترش صادرات غیرنفتی.^(۷)

توسعه بخش کشاورزی: وابستگی ایران به واردات مواد غذایی و نابودی بخش کشاورزی از جمله انتقادات مهم نیروهای انقلابی نسبت به شاه بود. در این برنامه، کشاورزی به عنوان محور توسعه بود و خودکفایی در تولید مواد غذایی یکی از مشخصه‌های استقلال کشور قلمداد می‌شد. هدف از این کار جلوگیری از سلطه بیگانگان، تأمین مواد غذایی کشور، توجه به کشاورزان و عشایر و تغییر ساختار مصرفی به ساختار تولیدی در زمینه کشاورزی بود. به باور برنامه ریزان، سیاست‌های رژیم گذشته به مهاجرت روستائیان به شهرها برای کسب درآمد بیشتر و گسترش حاشیه‌نشینی در شهرها

اهداف نخستین برنامه

اقتصادی پیشنهادی پس از

انقلاب عبارت بود از:

گسترش آموزش و فرهنگ،

تأمین منافع مستضعفین،

تأمین استقلال و خودکفایی،

رفع بیکاری و...

برای سال ۱۳۶۶ معادل ۲۲۴/۷ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است. برای تحقق این هدف، رشد صادرات غیرنفتی طی برنامه اول باید سالیانه به ۴۴ درصد می‌رسید و سهم صادرات غیرنفتی از ۳ درصد کل صادرات در سال ۱۳۶۲ به ۷ درصد در سال ۱۳۶۶ افزایش پیدا می‌کرد.

برنامه پیشنهادی، اگر چه در صدد کاهش اتکاء به درآمدهای نفتی بود اما براساس درآمدهای نفتی تدوین شده بود و ارزش حاصل از فروش نفت مبنای سرمایه‌گذاری در بخش صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای را تشکیل می‌داد. در برنامه به صورت خوشبینانه‌ای پیش‌بینی شده بود که سرمایه‌گذاری‌هایی ده سال اول برنامه به نتیجه می‌رسد و میزان نیاز به ارزش کاهش می‌یابد. از سوی دیگر با صدور کالاهای غیرنفتی، خصوصاً سنگ‌های معدنی، درآمدهای غیرنفتی کشور افزایش یافته و در نتیجه طی دهه دوم با کاهش ارزش مورد نیاز کشور و افزایش صادرات غیرنفتی، از وابستگی کشور به درآمدهای نفتی کاسته می‌شود.

این فرض وجود داشت که در بدترین حالت، قیمت نفت طی بیست سال آینده ثابت و ۲۹ دلار باشد و در خوشبینانه‌ترین حالت سالانه ۵ درصد افزایش یابد. بر این اساس، میزان نفت صادراتی ایران طی بیست سال آینده با قیمت ثابت ۲۹ دلار، از ۲/۲۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۶۲ به ۲/۲۸ میلیون بشکه در روز در سال ۱۳۶۶ و ۱۳۷۱ خواهد رسید و پس از آن به ۲/۵ میلیون بشکه در سال ۱۳۷۶ افزایش خواهد یافت. چنانچه طی بیست سال آینده قیمت نفت ۵ درصد افزایش یابد میزان صادرات از ۲/۲۲ میلیون بشکه در روز سال ۶۲ به ۷/۸۸ میلیون بشکه در سال ۷۱ خواهد رسید.^(۲۵)

از آنجا که هدف اصلی این برنامه کاهش سهم نفت در اقتصاد کشور بود و براساس توسعه بخش کشاورزی تدوین شده بود؛ بنابراین این برنامه می‌بایست بر توسعه صادرات مبتنی باشد اما چون به دلیل تأمین احتیاجات مصرفی و واسطه‌ای داخل کشور، امکان گسترش صادرات غیرنفتی محدود بود و برنامه ریزان توسعه صنعتی را عامل تغییر اساسی در نظر گرفته بودند، از این رو استراتژی جایگزینی واردات را به عنوان

از این رو، برخلاف دوره پهلوی که بر توسعه صنایع مونتاژ و مصرفی تأکید می‌شد در این برنامه بر گسترش صنایع مادر برای تولید کالاهای واسطه‌ای و نیز گسترش هر چه سریع‌تر ماشین‌سازی تأکید شده بود. در برنامه، رشد ۱۴/۱ درصدی برای بخش صنعت پیش‌بینی شده بود و این اعتقاد وجود داشت که با توجه به ظرفیت‌های اضافی موجود، این رشد قابل توجیه است. همچنین رشد سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، سالانه ۹/۷ درصد در نظر گرفته شد و از ۲۹۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ به ۴۲۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ افزایش پیدا می‌کرد. هدف کلی بخش صنعت، راه‌اندازی صنایع موجود، تکمیل

طرح‌های نیمه تمام و فراهم آوردن زمینه اجرای طرح‌های جدید بود. همچنین پیش‌بینی شده بود در برنامه دوم، طرح‌های جدید صنعتی با وسعت و گسترش کافی ایجاد گردد به نحوی که در پایان برنامه دوم، مواد اولیه و اساسی صنعتی در داخل کشور تولید شده و زنجیره تولید حتی الامکان

تکمیل و به تدریج کشور از واردات کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه بی‌نیاز گردد.^(۲۳)

صادرات غیرنفتی: از نظر برنامه، دو عامل تقاضای بالا در بازارهای داخلی و تأمین ارزش مورد نیاز کشور با صدور نفت خام، از گسترش صادرات و فرهنگ صادراتی مانع می‌شد. از این رو در جهت دستیابی به خودکفایی اقتصادی و از بین بردن وابستگی کشور به صادرات نفت، گسترش صادرات غیرنفتی مورد توجه قرار گرفت.^(۲۴) در این راستا در وهله نخست، کاهش نیاز کشور به واردات از طریق گسترش صنایع واسطه‌ای و ماشین‌سازی و کاهش واردات کالاهای لوکس، تجملی و غیرضروری و در مرحله بعد، میزان صادرات غیرنفتی

**رشد صادرات غیرنفتی
طی برنامه اول باید سالیانه به
۴۴ درصد می‌رسید و سهم
صادرات غیرنفتی از ۳ درصد
کل صادرات در سال ۱۳۶۲ به
۷ درصد در سال ۱۳۶۶
افزایش پیدا می‌کرد**

تقریباً ۳ سال از جنگ گذشته بود. تدوین کنندگان این برنامه با علم به محدودیت‌ها و شرایط موجود، آن را تهیه کردند و ظاهراً آنها نگرانی چندانی نسبت به تأثیر این محدودیت‌ها بر اقتصاد کشور نداشتند.^(۲۸) احتمالاً این عدم نگرانی از فضای انقلابی و روحیه ایثارگری موجود در جامعه و بین مقامات ناشی می‌شد. آنها جنگ را به عنوان فرصتی برای خودکفایی تلقی می‌کردند و معتقد بودند ضمن ایستادگی در جنگ می‌توان به



فعالیت‌های اقتصادی نیز پرداخت. با توجه به این ملاحظات، پیامدهای جنگ بر روند اقتصادی کشور را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد. دوران نخست از زمان آغاز جنگ تا سال ۱۳۶۴ و دوران دوم از سال ۱۳۶۴ تا پایان جنگ.

دوره نخست، آغاز جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۶۴

همان گونه که گفته شد در زمان دولت رجایی اولین تلاش‌ها برای تدوین برنامه اقتصادی آغاز شد و سال ۱۳۶۲ به عنوان سال شروع برنامه انتخاب شد. مقامات کشور به برنامه ریزان توصیه کردند که هیچ گونه محدودیت مالی را در نظر نگیرند.^(۲۹) از این رو، بودجه سال ۶۲ براساس برنامه اول و خط مشی‌های آن نوشته شد. در بودجه سال ۱۳۶۲، ایجاد و گسترش واحدهای صنعتی کوچک در مناطق کشاورزی روستایی و در جوار صنایع بزرگ به منظور ایجاد اشتغال مولد، تأمین نیازهای فوری کشاورزی، تکمیل و بهره‌برداری از صنایع مادر و صنایع ماشین‌سازی آلات کشاورزی، ایجاد و توسعه صنایع تبدیل کشاورزی و توسعه صنایع تولید کننده کالاهای اساسی مورد نیاز مردم پیش‌بینی شد و در جهت تحقق آن مبلغ ۸۲۹۹/۲ میلیون ریال اعتبار ملی و ۷۱۰۰ میلیون ریال اعتبار استانی در نظر گرفته شد.

استراتژی برنامه توسعه انتخاب نمودند.^(۳۰) از نظر طراحان برنامه، سیاست جایگزینی واردات عمدتاً بر جایگزینی کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به جای کالاهای مصرفی متکی بود و در طی مدت اجرای برنامه، باید از رشد واردات کالاهای مصرفی کاسته شده به ۲ درصد کل واردات کشور می‌رسید؛ و واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای ۱۵ درصد افزایش می‌یافت.^(۳۱)

جنگ و تأثیر آن بر روند اقتصادی ایران

در بررسی میزان تأثیر جنگ بر روند اقتصادی کشور باید چند نکته را مد نظر قرار داد. نکته نخست اینکه عراق در جبهه‌ای به طول بیش از ۱۳۰۰ کیلومتر به ایران حمله کرد که شامل پنج استان خوزستان، ایلام، کردستان، کرمانشاه (باختران) و جنوب آذربایجان غربی بود. در بین این پنج استان، استان خوزستان از اهمیت بالایی برخوردار بود چرا که بخش بزرگی از تأسیسات اقتصادی ایران همچون تأسیسات بندری، کارخانه فولاد، پالایشگاه نفت و ... در این استان قرار داشت. نکته دوم اینکه جمهوری اسلامی ایران در آن زمان تحت تحریم اقتصادی قرار داشت و بالاخره اینکه اولین برنامه اقتصادی کشور در سال ۱۳۶۲ تدوین شد یعنی زمانی که



وزارت صنایع سنگین در سال ۱۳۶۲ جمعاً ۱۹۴۲ فقره موافقت اصولی صادر کرد که ۷۳ درصد آن مربوط به صنایع ماشین سازی و ساخت تجهیزات مربوط به کارگاههای کوچک بود.^(۳۰)

طبق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش دولت در فعالیت های صنعتی افزایش یافت و این نقش را دولت از طریق اعمال حاکمیت و مدیریت بخش عظیمی از صنایع کشور ایفا کرد. در این راستا، دولت در

که به علت جنگ، استخراج نفت از میدانی مانند ابوزر، فروش، نوروز امکان پذیر نبود. درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ به ترتیب به ۲۰/۴ و ۱۶/۶۶ میلیارد دلار رسید^(۳۱) که ۱۵ درصد از آن را به هزینه های نظامی و جنگ اختصاص داد.^(۳۲) تخصیص این میزان بودجه برای جنگ، عمده تابه این دلیل بود که رژیم پهلوی بخش عمده ای از درآمدهای نفتی خود را به خریدهای تسلیحاتی اختصاص داده بود و در آغاز جنگ ایران عمده تابه از آنها استفاده می کرد. طی این دوره، خسارات اقتصادی ناشی از جنگ در حدود ۲۶/۷۸ درصد کل خسارات مستقیم جنگ را در بر می گرفت و کل خسارات مستقیم جنگ از سال ۱۳۵۹ تا ابتدای سال ۱۳۶۴ در حدود ۳۶/۹ درصد کل خسارات اقتصادی جنگ بود.^(۳۳)

دوره دوم، از سال ۱۳۶۷-۱۳۶۴

دوره دوم دارای دو ویژگی متمایز است: نخست اینکه در این دوره بر شدت جنگ افزوده شد و دو کشور به عملیات های نظامی گسترده ای دست زدند که از آن جمله می توان به عملیات والفجر ۸ و تصرف بندر فاو اشاره کرد. دوم اینکه گستره جغرافیایی درگیری ها افزایش یافت و علاوه بر مناطق مرزی، شهرها و مراکز

سال ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ به سرمایه گذاری در پروژه هایی همچون نوسازی کارخانه قند و شکر هفت تپه، کارخانه آذراب اراک، تکمیل واگن سازی اراک و طرح فولاد مبارکه اقدام نمود. دولت در بخش کشاورزی نیز به منظور به سازی تولید، اقداماتی از قبیل احداث کانال های آب (۴۸۵۰ کیلومتر) و لایروبی (۸۷۵۰ کیلومتر) و ... زهکشی (۴۸۷۵۰ کیلومتر) کانال های موجود و تسطیح اراضی (۱۳۶۴۰۰ کیلومتر) را انجام داد.^(۳۴) سال ۱۳۶۳ ارزش افزوده بخش صنعت افزایش یافت و از ۱۷/۷ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۱۸/۳ درصد رسید. این افزایش عمده تابه از افزایش تولید صنایع بزرگ، بهبود وضع ارزی کشور و رفع پاره ای از تنگناها در تهیه مواد اولیه و وسایل یدکی مورد نیاز کارخانه ها در سال ۱۳۶۲ ناشی می شد.^(۳۵) طی این سال ها طرح های عمده صنعتی مانند واگن سازی اراک، شرکت ملی صنایع مس ایران، تکمیل کارخانجات شیر ایران، کارخانه سیمان ری، کارخانجات مکانیک جدید، فاز ۱ و ۲ کارخانه ساخت ماشین آلات نساجی، و ... طی سال های به پایان رسید.^(۳۶)

در سال ۱۳۶۲ ایران در حدود ۲/۳ میلیون بشکه در روز به قیمت ۲۹ دلار صادر کرد. این مقدار تولید و قیمت، مطابق با پیش بینی برنامه نبود. این در حالی بود

مشکل جمهوری اسلامی در این مقطع تاریخی، تنها حمله به تأسیسات نفتی یا نفت کش هایش نبود، در اواخر سال ۱۹۸۴ در نتیجه کاهش رشد اقتصادی کشورهای صنعتی، افزایش تولید نفت کشورهای غیراوپک و اختلاف اعضای سازمان اوپک، قیمت نفت به سرعت کاهش یافت. قیمت نفت در سال ۱۹۸۵ به ۱۲ دلار و در سال ۱۹۸۶ به زیر ۱۰ دلار رسید. جمهوری اسلامی ایران کاهش قیمت نفت و افزایش تولید نفت عربستان را توطئه‌ای علیه خود تلقی کرد و آقازاده، وزیر نفت، اظهار داشت: «استکبار قصد دارد با کاهش بهای نفت، اقتصاد ایران و در نهایت جنگ را تحت فشار قرار دهد».^(۳۹) ایران

تلاش‌های دیپلماتیک گسترده‌ای را در جهت تشویق کشورهای عضو اوپک برای کاهش سقف تولید به منظور افزایش قیمت نفت به بالای ۲۰ دلار انجام داد. همچنین تلاش کرد با کمک کشورهای الجزایر و لیبی، عربستان را برای تغییر سیاست نفتی‌اش تحت فشار قرار دهد و از کاهش تولید اوپک تا

آنها جنگ را به عنوان فرصتی برای خود کفایی تلقی می کردند و معتقد بودند ضمن ایستادگی در جنگ می توان به فعالیت های اقتصادی نیز پرداخت

سقف ۱۶ میلیون بشکه در روز حمایت کند. در اجلاس سه جانبه وزرای نفت و خارجه ایران، لیبی و الجزایر، جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد توقف تولید ۲ هفته تا یک ماه کشورهای صاحب نفت را ارائه کرد. حتی کاظم پور اردبیلی نماینده ایران در اوپک، کاهش قیمت نفت از سوی کشورهای نروژ و انگلیس را به عنوان ابزار اعمال اراده‌های امپریالیستی تلقی کرد و از کشورهای عضو اوپک درخواست کرد تحریم خریدهای بازرگانی یا اعمال محدودیت‌های وارداتی بر مصنوعات این کشورها را به مورد اجرا بگذارند.^(۴۰)

در اثر این تحولات، یعنی حملات به تأسیسات نفتی و کاهش تولید نفت ایران از یک سو و کاهش قیمت نفت

اقتصادی را نیز دربر گرفت. این مسئله پیامدهای ناگواری برای ایران به دنبال داشت. نخستین آن، آسیب دیدگی بخش عمده‌ای از تأسیسات نفتی ایران بود. در ابتدای جنگ عراق حملات محدودی را به تأسیسات نفتی ایران انجام داده بود اما از سال ۶۴ به بعد با دریافت سلاح‌های جدید به خصوص هواپیماهای سوپر استندارد و میراژ اف ۱ توانست به تأسیسات نفتی ایران و کشتی‌های نفتکش در دهانه خلیج فارس حمله کند. هدف عراق از این اقدام محروم کردن جمهوری اسلامی از درآمدهای نفتی و تحت فشار قرار دادن آن بود. حملات هوایی عراق به اسکله‌های نفتی جزیره خارک، خصوصاً اسکله‌های تی و آذریا و سکوه‌های نفتی ایران در خلیج فارس، عمدتاً با این هدف صورت می گرفت. آمریکا نیز در اواخر جنگ، سکوه‌های نفتی رسالت، رشادت، نصر و سلمان را هدف حمله قرار داد. جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با حملات هوایی عراق دو اقدام را انجام داد. نخست آن که سیستم پدافندی اطراف جزیره خارک را بهبود بخشید و دوم آنکه با تنوع بخشیدن به ترمینال‌های صادرات نفتی خود، بخشی از آنها را به گناوه و جنوب بوشهر انتقال داد و حتی اعلام کرد در صدد ساخت خط لوله نفتی به ظرفیت ۵۰۰ هزار بشکه در روز برای ارسال نفت خام به جزیره دلوان است و جزیره سیری را برای انتقال نفت تجهیز می کند.

با دریافت هواپیماهای فرانسوی، عراق بعد جدیدی به جنگ داد. طی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ به ترتیب ۴۴، ۹۱، ۱۵۹ و ۶۲ کشتی در خلیج فارس هدف حمله قرار گرفتند. به عبارتی در هر ماه ۷/۴ کشتی مورد حمله قرار گرفت.^(۳۷) در اثر این حملات، به نرخ بیمه کشتی‌های عازم جزیره خارک ۲۵ درصد افزوده شد و به ۷/۵ درصد ارزش محموله رسید. این مبلغ در حدود ۱ تا ۷/۵ دلار در هر بشکه بود.^(۳۸) جمهوری اسلامی برای مقابله با حملات عراق به نفت کش‌ها هفت کشتی سوپر تانکر را جهت ذخیره سازی تحویل نفت به اروپا آماده کرد. همچنین شرکت بیمه ایران اعلام کرد که کلیه نفت کش‌های در اجاره ایران را بیمه خطر جنگ می نماید.

بنابر اظهار وزیر برنامه و بودجه وقت، هزینه های دفاعی در کل بودجه سال ۱۳۵۹، ۱۸ درصد و در سال ۱۳۶۵، ۳۲ درصد و در سال ۱۳۶۶، ۳۴ درصد کل بودجه بوده است. در اینباره آقای هاشمی رفسنجانی اظهار داشت: «یک سوم بودجه کشور در سال ۶۵ صرف نیروهای مسلح شد و در سال ۶۶ علاوه بر بودجه جاری نیروهای مسلح یک چهارم بودجه کشور به جنگ اختصاص یافت». در سال ۱۳۶۵ میزان ارز تخصیص یافته به جنگ، ۴/۸ درصد نسبت به قبل افزایش یافت و این رشد در سال ۱۳۶۶ نسبت به سال ۱۳۶۵ به ۲/۹ درصد رسید. دولت در سال ۱۳۶۵، ۴۳۶ میلیارد ریال را به جنگ اختصاص داد.^(۴۲)

در پی این گسترش جنگ و افزایش هزینه های آن و کاهش درآمدهای نفتی کشور، سیاست اقتصاد ریاضتی تحت عنوان «برنامه شرایط جدید استقلال اقتصادی کشور» تنظیم گردید. تفاوت سیاست ریاضتی با برنامه پیشنهادی قبلی عبارت بود از:

۱. دارای افق محدودی بود و عمدتاً بخش ها و فعالیت هایی را شامل می شد که در وضعیت محدودیت ارزی اهمیت بیشتری داشتند،
۲. بر مبنای محدودیت ارزی تنظیم شده بود و نگرش توسعه ای نداشت، و
۳. هدف از تدوین این برنامه حفظ وضع موجود و جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی کشور بود.

این برنامه دو هدف کلی را دنبال کرد:

۱. تأمین نیازهای جنگ، و
 ۲. تأمین حداقل نیازهای معیشتی جامعه.^(۴۳)
- بر مبنای این برنامه، دولت با اتخاذ سیاست ریاضت اقتصادی تلاش نمود برای تأمین نیازهای جنگ منابع تولیدی کشور را به سمت صنایع نظامی سوق دهد. به عنوان مثال در سال ۱۳۶۵ در حدود ۵۰ درصد از تولید صنعت ریخته گری به تولید صنایع دفاعی اختصاص می یابد. دولت تلاش می کرد از منابع ارزی محدودی که در اختیار داشت به بهترین نحو استفاده کند. در این راستا، سهمیه بندی ارزی صورت می گیرد و صنایع به دو دسته تقسیم شدند:

در بازارهای جهانی از سوی دیگر باعث شد صادرات نفت ایران از ۲/۳ میلیون بشکه در سال ۱۳۶۲ به ۱/۴، ۱/۵۲ و ۱/۵۱ میلیون بشکه در سال های ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ کاهش یابد و میزان درآمدهای نفتی نیز از ۱۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۳ به ۱۲/۵، ۱۲ و ۹ میلیارد دلار در سال های ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ برسد. این در حالی بود که در سال ۱۳۶۴ ارزش دلار در بازارهای بین المللی کاهش یافت و از سه مارک به یک مارک و از ۲۳۰ ین به ۱۳۰ ین رسید. اثرات مخرب این کاهش ارزش زمانی ملموس می شود که بدانیم آلمان و ژاپن به ترتیب ۱۸/۲۵ درصد و ۱۳/۵۵ درصد واردات ایران را در اختیار داشتند و کشورمان در تحریم آمریکا بود.

با گسترش دامنه و شدت جنگ، هزینه های نظامی نیز افزایش یافت. در ابتدا اگر جنگ محدود به حملات نظامی زمینی بود، در اواسط جنگ نقش تکنولوژی نظامی بیشتر شد. ایران برای مقابله با حملات عراق خصوصاً جنگ شهرها به دو اقدام نظامی دست زد. نخست آن که اجرای

عملیات گسترده به یک سنت سالانه تبدیل شد و در جامعه این انتظار شکل گرفت که نیروهای نظامی ایران هر ساله باید عملیات نظامی گسترده ای را انجام دهند. در این راستا، دولت هر ساله مقادیر زیادی از بودجه را به امر جنگ اختصاص می داد و از سوی دیگر با حمله موشکی عراق به شهرها، برای پاسخگویی به این حملات ایران به خرید و ساخت موشک اقدام نمود. از آنجا که کشورهای تولید کننده سلاح، فروش تسلیحات به ایران را تحریم کرده بودند لذا سلاح های مورد نیاز در جبهه ها لزوماً با قیمت بالاتر از بازار سیاه تأمین می کرد که این امر به سهم خود افزایش هزینه های نظامی ایران را باعث می شد.^(۴۴)

جمهوری اسلامی
برای مقابله با حملات عراق
به نفت کش ها هفت کشتی
سوپر تانکر را جهت
ذخیره سازی تحویل نفت
به اروپا آماده کرد

در مقابل واردات از کشورهای آلمان غربی، ژاپن و انگلیس کاهش یافت.

سخن پایانی

استقلال، یکی از شعارهای انقلاب اسلامی ایران بود که دارای وجوه سیاسی و اقتصادی است. پیروزی انقلاب و سقوط رژیم پهلوی، سرآغاز استقلال سیاسی بود و در پی حصول آن، نیروهای انقلابی در صدد تحقق استقلال اقتصادی برآمدند. آنها با توجه به تجربیات گذشته، برای تحقق این شعار در صدد برآمدند الگوی اسلامی را ایجاد و با اجرای آن ایران را به الگویی برای سایر کشورها تبدیل

کنند. لذا چه در دوره دولت موقت و چه دولت های بعدی الگوی برنامه ریزی اقتصادی را اتخاذ کردند که از محتوای اسلامی و استقلال خواهی برخوردار بود و تحقق عدالت، کمک به مستضعفان سرلوحه برنامه های آن بود. آنها برای تحقق این شعارها، برنامه هایی همچون

**سلاح های مورد نیاز
در جبهه ها لزوماً با قیمت
بالا تر از بازار سیاه تأمین
می کرد که این امر به سهم
خود افزایش هزینه های
نظامی ایران را باعث می شد**

کاهش وابستگی به نفت، صنعت بومی و کشاورزی خودکفا را در رأس برنامه های خود قرار دارند. آنها با توجه به نگاه آرمان گرایانه حتی در سخت ترین شرایط یعنی جنگ، برنامه مدون اقتصادی را تدوین کردند و جنگ را نه تنها مشکل بلکه آزمونی برای سنجش توانایی و صداقت خود تلقی کردند. اما از آنجا که واقعیت همواره چهره سخت خود را بر آرمان ها نشان می دهد. واقعیت جنگ چنان عرصه را بر سیاست گذاران و برنامه ریزان تنگ نمود که آنها ناچار گردیدند به حداقل ها رضایت داده و با کنار گذاشتن طرح ها و برنامه های خود، به رفع مشکلات پرداخته و تحقق آرمان های خود را در زمان دیگری جستجو کنند.

۱. واحدهای تولید کننده کالاهای ضروری، که ارز آنها در حد قابل توجهی از درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت تأمین می شد؛ و
۲. واحدهایی که ارز خود را باید از بازار آزاد تأمین می کردند.

بر این اساس، واحدهای تولیدی ای که وابستگی شدیدی به خارج داشتند و دارای هزینه های ارزی فراوانی بودند از رده تولید خارج شدند و دولت برای جلوگیری از تعطیلی و بیکاری کارکنان این واحدها، اعلام نمود که حاضر است آنها را به شرکت های خارجی اجاره دهد و در صورت تأمین مواد اولیه مورد نیاز این کارخانه ها، آنها می توانند کالاهای تولید شده را به خارج صادر نمایند.

مطابق با برنامه جدید، سرمایه گذاری ها باید در صناعی صورت می گرفت که نیازی به ارز نداشته باشند و در عرض یک سال به اتمام برسند و در خدمت جنگ باشند. علاوه بر این، بودجه های عمرانی کاهش یافت و بودجه های عمرانی به حوزه هایی اختصاص یافت که در خدمت جنگ باشند. به عنوان مثال در سال ۱۳۶۶، ۳۵ میلیارد ریال برای اجرای مهندسی جنگ، ۱۳ میلیارد ریال به اجرای طرح های پدافند غیرعامل و ۵۰ میلیارد ریال برای ساخت پناهگاه اختصاص یافت.^(۳۴) دولت نیز هزینه های جاری خود را به استثناء هزینه های جاری جنگ، کاهش داد.

دولت برای تأمین نیازهای عمومی مردم بر بخش کشاورزی که به خارج وابستگی نداشت، تأکید می کرد و از واردات کالاهایی که امکان تولید آن در داخل وجود داشت جلوگیری می کرد و سیاست الگوی مصرف را در پیش گرفت. بر مبنای این الگو، مصرف به دو بخش مصرف اصل و مصرف ثانویه تقسیم شده بود و دولت موظف به تأمین مصرف اصلی بود و مصارف ثانویه تابعی از تولید داخلی بود و به هیچ وجه اجازه داده نمی شد کالاهای تابع الگوی مصرف ثانویه از خارج وارد شوند. در این دوره جنگ، رابطه با کشورهای بلوک شرق تقویت شد و تلاش شد از طریق مبادلات تهاتری کالاهای مورد نیاز کشور تأمین شود. در نتیجه واردات کشور از شوروی، آلمان شرقی، لهستان و... افزایش و

یادداشت ها:

۲۰. سازمان برنامه بودجه، «اهداف کمی توسعه اقتصادی اجتماعی

جمهوری اسلامی ایران در دوره ۸۱-۱۳۶۱»، ۱۳۶۰، ص ۱۷.

۲۱. سازمان برنامه و بودجه، «لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۶۶-۱۳۶۲»، ۱۳۶۲.

۲۲. همان، ص ۲-۲.

۲۳. همان، ص ۵-۲.

۲۴. همان، ص ۱۶-۱.

۲۵. همان، ص ۴-۲.

۲۶. ابراهیم رزاقی، الگوی توسعه اقتصادی ایران، تهران، نشر توسعه،

۱۳۶۹، ص ۲۵.

۲۷. سازمان برنامه بودجه، «اهداف کمی توسعه اقتصادی اجتماعی

جمهوری اسلامی ایران در دوره ۸۱-۱۳۶۰»، ۱۳۶۰، ص ۱۷.

۲۸. مصاحبه با حسین عظیمی، مجله دفاعی امنیتی، تابستان ۸۰، ص ۱۶.

۲۹. همانجا.

۳۰. وزارت برنامه و بودجه «گزارش اقتصادی سال ۶۲»، ۱۳۶۳، ص ۵-۱۴.

۳۱. وزارت برنامه و بودجه، «تحولات بخش های اقتصادی و اجتماعی

کشور طی سال های ۶۴-۱۳۶۰»، (۱۳۶۴) ص ۴۰.

۳۲. «گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۴»، ۱۳۶۴، ص ۳-۱.

۳۳. وزارت برنامه و بودجه، «تحولات بخش های اقتصادی و اجتماعی

کشور طی سال های ۶۴-۱۳۶۵»، ۱۳۶۵، ص ۷۶.

۳۴. ابراهیم رزاقی، همان، ص ۱۰.

35. Sharam Chubin and Charles Tripp, *Iran and Iraq At War*, London: I.B. Tauris & co LTD, 1991, P 125.

۳۶. سازمان برنامه و بودجه، «گزارش نهایی برآورد خسارات اقتصادی

جنگ تحمیلی»، سال ۱۳۶۹، ص ۱۱.

37. Lee Allen Zatarain, *Tanker War*, New York; casemate, 1990, p. 5.

38. Dilip Hiro *The Longest War: The Iran, Iraq Military Conflict*, London: Kout ledqe, 1997, p 129.

۳۹. کیهان هوایی، ۶۵/۲/۱۰، ص ۲.

۴۰. همان، ۶۴/۱/۷۹، ص ۲.

۴۱. همان، ۶۶/۱/۲۶، ص ۳.

۴۲. وزارت برنامه و بودجه، «بررسی کلیات وضع اقتصادی کشور در

سال ۶۶»، ۱۳۶۶، ص ۵.

۴۳. وزارت برنامه و بودجه، «برنامه شرایط جدید استقلال کشور»، ص ۳.

۴۴. کیهان هوایی، ۶۶/۹/۶، ص ۱۷.

1. Jahangir Amuzegar, *Iran's Economy under the Islamic Republic*, London: I.B. Taris and Co Ltd, 1993, p.1.

۲. ابراهیم رزاقی، اقتصاد ایران، نشر نی، ۱۳۶۷، ص ۱۸۲. همچنین برای اطلاع بیشتر از برنامه های دوره شاه نگاه کنید به:

Kamran Mofid, *Development Planning in Iran*, Cambridge: middle East and North African Studies Press, 1988.

۳. فرهاد دفتری «شرکت های چندملیتی در صنایع ایران» در کتاب بی نام،

کتاب آگاه: مسائل ایران و خاورمیانه، تهران، نشر آگاه، ۱۳۶۰، ص ۴۱۲.

۴. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دوم، نشر مرکز، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰.

۵. بی نام، بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب، تهران، بانک مرکزی، ۱۳۶۰، ص ۵.

6. Homa Katuzian, *The Political Economy of Moderniran*, London, mamillam, 1981.p. 215.

7. Hossein Razavi and firouz vakil, *The Political Environment of Economic in Iran: from Monarchy to Isamic*, Boulden: westview press, 1984, p 18.

۸. محمود ملکی زاده، «مراحل اسلامی مسائل اساسی اقتصادی»، مجله اقتصاد اسلامی، کتاب سوم، مرداد ۱۳۵۹، ص ۱۲۰.

۹. همان، ص ۱۲۵.

۱۰. مقدمه قانون اساسی قبل از بازنگری سال ۶۸.

۱۱. اصل ۴۳ قانون اساسی قبل از بازنگری سال ۶۸.

۱۲. اصل ۴۴ قانون اساسی قبل از بازنگری در سال ۶۸.

۱۳. بی نام، گزارش نهایی سیاست های توسعه و تکامل جمهوری

اسلامی ایران، نخست وزیری، ۱۳۵۹، ص ۵. اصل این گزارش در

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موجود می باشد.

۱۴. همان، ص ۹.

۱۵. همان، ص ۱۲.

۱۶. همان، ص ۱۹.

۱۷. کیهان هوایی، ۶۰/۲/۳، ص ۹.

۱۸. برای آگاهی از روند تدوین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نگاه کنید به: علی نقی مشایخی

«بررسی نظام برنامه ریزی کشور در عمل و چند پیشنهاد اصلاحی»،

فصلنامه برنامه و توسعه، شماره اول، سال اول، ۱۳۶۳.

۱۹. سازمان برنامه بودجه «برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۶۶-۱۳۶۲»، ۱۳۶۲، ص ج.